

بهار ما ... بهار ملت ما است .
بهار ملتی که نسال، عدالتخواه،
آزاد بخواه و ترقیخواه است .
ما همراه با تبریک سال نو،
آینده ای درخشان را برای
همه ی مردم این مرز و بوم آرزو
میکنیم ...

حقوق امروز

(شماره هفتم دوره دوم)

آخر اسفند ۱۳۴۴

۱۷ مسلسل

تحول داد گستری

داد گستری ما با نیازمندیهای زمان، خصائص کنونی و دورنمای آینده جامعه مان مخصوصاً بعد از تحولاتیکه صورت گرفته و زمینه هایی که در مسیر صنعتی شدن کشور مان فراهم میگردد، تطبیق نمیکند .

وضع زمان و نیاز ما اقتضا دارد که در دستگاه عدالت ایران - من حیث المجموع - تحولات اساسی پدید آید تا :

اولاً نیوه مراجعان سردرگم و تشنه عدالت، با احساس رضایت و اطمینان با اینکه دستگاه قضائی ما، تنها بمنظور رسیدگی بتظلمات و احقاق حقوق ایشان بر پا گردیده ، از آن خارج شوند .

ثانیاً و ضمناً : نیاز اقتصاد جدید و پر حرکت مملکت را بنظام حقوقی خاص و نوینی مطمئن سازد و مدلل نماید که پشتوانه فعالیت های مشروع اقتصادی و تولیدی مردان و زنان

کار و عمل مشروع و واقعی است. و بسرمایه‌های فعال، اطمینان دوام بهره برداری مشروعشان را در مسیر مصالح امروز و آینده کشور بدهد و نتیجتاً بسیاری از مردم با استعداد و شایسته‌ها (که بجا و یا نابجا نومیدند) بتلاش در زمینه‌های اقتصادی و تولیدی جدید، ترغیب نماید تا وطن پرستان پرکار با ذکاوت، هر چه بیشتر تمایل یابند که چرخهای تولید جدید کشور ما را بچرکت آورند.

ثالثاً نیاز گروههای دهقانان را به امنیت قضائی برآورد. باین نحو که رشد این اکثریت هموطنان ما را بسوی آینده بهتر تضمین کند و بایشان (که پس از قرن‌ها محرومیت از همه‌ی حقوق انسانی، اکنون همدریف سایر افراد اجتماع اعلام شده‌اند) اطمینان بخشد که واقماً و حقیقتاً، همه در برابر قانون و در زمینه عدالت گذاری قضائی، مساویند. و بدین طریق، لزوم تلاش و فعالیت اضافی‌شان را در راه منافع همه‌ی جامعه - از جمله خود ایشان - برانگیزد. البته هماهنگ با همه‌ی این مقاصد: گوهر استقلال کامل دادگستری ما نباید بیبازی گرفته شود و یا لحظه‌ای فراموش شود تا حرکت جبری عدالت نوین، بصورت واقعی و شایسته‌اش، امکان بیابد و بنا بر این در هر گامی بسوی تحول دادگستری - خواه کوتاه و خواه بلند - باید استقلال دادگستری و حفظ حیثیت و رعایت شأن والای یک یک قضات ما بتمام معنی کلمه، نصب‌العین باشد و گرنه: روزنه امید عدالتخانه شایسته امروز کشور ما بسته خواهد بود.

برای حصول این مقاصد، می‌باید در ترکیب سازمان دادگستری و مقررات مورد اجرای آن از سر تا پایا تجدید نظر شود. بزبانی دیگر: دادگستری ما بیکرسانس و رفورماسیون سریع و حاد احتیاج دارد زیرا اولاً در پدید آمدن دستگاه دادگستری ما از آغاز، رعایت همه‌ی جوانب نشده است و شاید ناچار بوده‌اند بخاطر نوین ساختن آن، کمی شتاب بخرج دهند و نتیجتاً آنچه‌ا نکه شایسته‌است شکل نگرفته و بلکه بشکل تقلیدی از سازمانهای قضائی کشورهای دیگر درآمده است و بهمین مناسبت با نیازمندیها، خصوصیات ملی ما و مفهوم عدالت (در نظر اکثریت مردم ما) بی‌تناسب است. ازیکسو مقررات ظریف و دقیق کشورهای صنعتی، بر آن بار شد و از سوی دیگر بلحاظ کمبود مردان روشنفکر مسلط بر این فن و یا ناتوانی پاره‌ای از آنان بردرک احتیاجات خاصه جامعه ایران (البته دردنیای نوین) سرانجام تحت تأثیر سنن و آداب و میراث سهمگین حقوقی قرنهای گذشته ایران قرار گرفتند و نتیجتاً دادگستری ما علی‌الظاهر نمونه‌ای از کشورهای مترقی و نمود شد - که خودامری ناروا بوده - و در همان حال. بسیاری از آداب و سننها و شیوه تفکر حقوقدانان نسلهای گذشته و حتی اصول و قواعد حقوقی کهنه نابجا در آن ریشه گرفت.

از این رو میتوان گفت: دادگستری ما از لحاظ صورت و محتوی دچار تناقض و در عین حال، مجموعاً، با محیط خود، بیگانه بوده است. بنابراین برای اصلاح دادگستری:

اقدامی سریع و اساسی لازم است ولی باقتضای طبع کار دادگستردن، این اقدام می‌باید با طمأنینه و متانت توأم باشد و بهر حال و بهر تقدیر، در بستر استقلال دادگستری - بنحو مقتضی و شایسته‌اش - انجام پذیرد .

ایراد مقدر آنست که دیگران نیز طی سی سال گذشته، در این زمینه (و بیان کلیاتی در این باب) گفتگوها کرده‌اند و احتمال فراوان دارد که گفتگوهای « حقوق امروز » نیز از همان ردیف باشد و ثمری مانند آن، بی‌آورد؛ بدینجهت نکاتی را یاد آور میشویم که بگمان ما «حقوق امروز» را از پاره‌ای مدعیان که تا با امروز در این زمینه بیانی کرده‌اند متمایز می‌سازد و مقدمتاً می‌گوئیم که قسمتی از کوششهایی که در راه تحول دادگستری بعمل آمده معلول نظرهای خاص دسته‌های گوناگون و احیاناً آلوده باغراض سیاسی بوده است و بهمین لحاظ نه در جهت اصلاح واقعی و تجهیز دادگستری و برتری و تأمین استقلال قضات شریف، بافضیلت، با شخصیت و آزاده‌ما و بلکه در راه اجرای نظرهای خاص، صورت گرفته است .

نوع دیگری از این کوششها بقصد مانورهای تبلیغاتی بوده و طبیعی است که کوشش تبلیغاتی، بن و اساس را تغییر نمیدهد، و هر نوع « فریب » خاصه در امور مربوط به عدالت، بهر نحوی که تجویز شود، مردود است .

دسته دیگر از کوششها بلحاظ آنکه فقط حاصل تراوش فکر يك وزیر یا يك فرد مسئول تحول دادگستری بوده بداهتاً از عهده حل تمام مشکلات بر نیامده است چرا که هر قدر هم که يك وزیر و يك مغز عمیقاً بمسائل گوناگون دادگستری سلطه و احاطه داشته باشد قادر به درك همه‌ی جوانب کار نیست و خاصه که کار دادگستری ما با پیچیدگی و وسعت و تنوع خود، بیش از هر چیز دیگری مشمول این اصل است . بالاخص که در دادگستری، می‌باید عمل باعمل توأم گردد. دسته دیگر از کوششها ثمر نداده است بخاطر آنکه متصدی اصلاحات، وسایل انسانی اجرا را در اختیار نداشته و تنها به تهیه طرح اکتفا کرده است درحالیکه میدانیم که هر طرحی هر چه هم درست و صائب باشد و با الفاظی رنگین بروی کاغذ و بصورت گزارش درآید به تنهایی کافی نیست. گروه اصلی و هسته مرکزی اجرا کنندگان طرح‌اند که میتوانند به کالبد بی‌جان طرحها، جان بخشند. پس برای تجهیز دادگستری علاوه برداشتن اندیشه صحیحی که ثمره تبادل فکر صادقانه و جدی **گروه** باشد، دسته فنی ورزیده و مؤمن به طرح اصلاحی نیز ضرور است .

علت دیگری که بعضی شخصیت‌هایی که مسئول، یا در مقام رفورم دادگستری بوده‌اند . توفیق نیافتند این بوده است که غالباً - با آنکه میان آنان مردم شایسته و دانشمند وجود داشته - کمبودی داشته‌اند : باین توضیح که : یا از دنیا و مقتضیات و ضرورات زمان غافل بوده‌اند و تحت تأثیر اندیشه‌های کلاسیک نابجای حقوق قدیمی ایران قرارداد شدند و یا آنکه برعکس،

بکلی از اندیشه های کلاسیک اصیل و تأسیسات ارزنده حقوق ایران و پایه های فقه اسلامی آن
 و معتقدات مقدس مذهبی بسیاری از مردم ما بیخبر بوده اند و پاره ای از کسانی هم که احیاناً بهره دو تفکر
 حقوقی (قدیم و جدید) آشنا بوده اند، از اقتضائات محیط و نیازهای خاصی جامعه ما آگاهی وافی
 نداشته اند. و رو بهمرفته شاید بتوان گفت که کسانی که از حقوق غرب و حقوق شرق و هم از احتیاجات
 خاصه ایران و نیروهای انکار ناپذیر اجتماع ما خاصه (در زمینه امور حقوقی و قضائی) کاملاً آگاه
 باشند فراوان نبوده اند. و باز علت دیگری که میتوان گفت کوشش در راه تحول دادگستری را
 بی ثمر می ساخته این بوده است که پاره ای از متصدیان اصلاحات که ظاهراً در طریق تجهیز
 و تحول دادگستری حرکت کردند، مورد وثوق و اعتماد جامعه نبوده اند و کلامشان در این
 زمینه خریداری نداشته است. بنابراین میگوئیم که: این بار برای تحول اساسی دادگستری
 می باید: گروهی از مردمی که با فرهنگ شرق و غرب و میراث حقوق ایران و فقه اسلامی و
 تأسیسات جدید حقوق کشورهای صنعتی، آگاهی کامل دارند و از اهل این سرزمین و تربیت شده همین
 سرزمین اند و علاوه بر تجربیات علمی و عملی در زمینه دانش حقوق و عملکرد قضائی، به
 دردها و نیازهای جامعه ایرانی خاصه در مسائل قضائی حقیقتاً و واقعاً آشنایند و معتقدات مذهبی
 و ملی واقعی و شایسته امروز ما را محترم میدانند و مورد قبول و ثوق مردم اند و از هر تمهدی
 نسبت به گروهها و افراد، فارغند و هیچ نوع «بده و بستان» را جایز نمیشمارند، باید اصلاح اساسی
 دادگستری را در مسیر تحولات کشورمان عهده دار گردند. به همین دلایل است که «حقوق امروز»
 برنامه ای در دست داشته و دارد که آماده است آنرا صادقانه ارائه کند و در اجرای آن صمیمانه
 کام بردارد.

بهاء الدین طباطبائی
 وکیل دادگستری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی